

بررسی و تحلیل نقش ابن عمید در توسعه قدرت سیاسی آل بویه

شهلا منصوری قوام‌آبادی / دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

sh_mansuri@yahoo.com

پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۲

دریافت: ۹۴/۵/۴

چکیده

سیاست‌های ابوالفضل بن عمید به عنوان وزیر، در عرصه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و مذهبی، سبب ایجاد تحولاتی عظیم در گستره ساختار آل بویه گردید. ابن عمید با توجه به دارا بودن نقش مهم وزارت و صاحب دیوان، تأثیر زیادی بر تحولات این دوره گذاشت و به نوبه خود، با اقدامات مهم و کلیدی در عرصه‌های گوناگون، بر توسعه و تقویت جایگاه وزارت در حکومت آل بویه نیز افزود. هدف از انجام این پژوهش نشان دادن نقش و جایگاه ابن عمید در ساختار قدرت سیاسی آل بویه است. روش و چگونگی انجام این پژوهش اسنادی و با استفاده از منابع خاص آن دوره است، و از آنجاکه این حکومت همزمان با دولت‌هایی همچون سامانیان، زبیریان و غزیویان بوده، بنابراین، منابع این دوران نیز کمک شایانی به این پژوهش کرده است.

کلیدواژه‌ها: آل بویه، نهاد وزارت، قدرت سیاسی، ابوالفضل بن عمید.

مقدمه

توجه به نقش و استعداد خود، جامعه را اداره کنند، و این عنوان می‌تواند راه را برای پژوهش‌های دیگر باز کند. در زمینه پیشینه پژوهش، باید اضافه کرد که دوره آل‌بویه نسبت به دیگر دوره‌های تاریخی، کمتر مطمح‌نظر قرار گرفته است. در نتیجه، تحقیقات نیز در خصوص این دوره کمتر صورت گرفته است. در میان آثار و تألیفاتی که درباره آل‌بویه به رشته تحریر درآمده، تاکنون در ارتباط با موضوع بحث، یعنی *ابوالفضل بن عمید* تحقیق جامعی صورت نگرفته است. سجادی رساله‌ای در شرح احوال و آثار *ابن عمید* نوشته که به تنهایی کافی نیست.

در بررسی نقش *ابوالفضل بن عمید*، با سؤالات اصلی و فرعی ذیل روبه‌رو هستیم:

۱. سیاست دیوانی *ابن عمید* چه تأثیری بر ساختار قدرت سیاسی آل‌بویه داشت؟
- الف. سیاست نظامی *ابن عمید* به عنوان سپهسالار، چه تأثیری بر ساختار قدرت سیاسی آل‌بویه داشت؟
- ب. سیاست فرهنگی *ابن عمید* در زمینه علمی، چه تأثیری بر ساختار قدرت سیاسی آل‌بویه داشت؟
- ج. سیاست دیوانی *ابن عمید* به عنوان وزیر، که در رأس دیوان‌ها قرار داشت، زمینه رشد و توسعه این نهاد و تسلط آن بر سایر نهادها، از جمله سپاه را فراهم آورد.
- نفوذ *ابوالفضل بن عمید* در سپاه و بر عهده گرفتن عنوان سپهسالاری و ایجاد تدابیر نظامی کارآمد، سبب توسعه و تثبیت وزارت و به دنبال آن، سبب قدرتمندی ساختار قدرت سیاسی آل‌بویه شد.
- توجه *ابن عمید* به علوم گوناگون و رشد آن در پیشرفت و تعالی علوم در حیطه‌های متعدد، رشد فرهنگی آنان را فراهم آورد.

دوران حکومت خاندان بویه از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ ایران محسوب می‌گردد. بنیان‌گذاران این سلسله مهم‌ترین حکومت مستقل و نیرومند شیعی - ایرانی پس از اسلام را تأسیس کردند. دربار شهریاران بویه پناهگاه دانشمندی بود که بسیاری از آنان به مقام وزارت رسیدند و به واسطه آنان، به عنوان یکی از حکومت‌های مهم در ایران مطرح شدند. در این دوره، وزرا دارای چند ویژگی بودند: اولاً، از جمله دانشمندان و فرهیختگان آن عصر بودند. ثانیاً، بیشترشان شیعه بودند. ثالثاً، حیطه قدرت خود را در نهاد وزارت گسترش دادند؛ یعنی هم قدرت سیاسی و هم قدرت نظامی را زیر سلطه خود داشتند.

ابوالفضل بن عمید از جمله این رجال بود که توانست جایگاه مهمی نزد امرای بویه کسب کند. *ابن عمید*، وزیر برجسته رکن‌الدوله بویه، به عنوان ادیبی چیره‌دست و بی‌نظیر، در علوم گوناگون، از جمله ریاضیات، هندسه، مکانیک و علم‌الحیل متبحر و صاحب‌نظر و در امور نظامی سرآمد معاصران خود بود. در محضر *ابن عمید*، شاگردان گوناگونی بودند که از جمله آنان می‌توان از صاحب‌بن عباد وزیر برجسته و مشهور آل‌بویه نام برد. وی با دارا بودن درایت و سیاست بالا و با دارا بودن توان نظامی و آشنایی با اصول آن حیطه، قدرت و نفوذ نهاد وزارت را در ساختار قدرت سیاسی توسعه داد.

روشن شدن وضعیت زندگی و فعالیت‌های علمی، سیاسی، فرهنگی و نظامی این افراد بسیار قابل توجه و مهم است، به‌ویژه اینکه در دوره زندگی خود، زمینه رشد و شکوفایی و اعتلای دانش و فرهنگ را فراهم آوردند. بررسی احوال رجال و بزرگان ایران در دوره‌های گوناگون می‌تواند راهبردی مناسب برای کسانی باشد که می‌توانند با

شرح حال ابوالفضل بن عمید

ابن عمید در شهر قم متولد شد. در منابع، به سال تولد او اشاره‌ای نشده است. ابوعلی مسکویه، که از نزدیکان وی و خزانه‌دار کتابخانه او بود، به تفصیل درباره او سخن گفته، اما به سال تولدش اشاره‌ای نکرده است. با توجه به اینکه در منابع، سال وفات او را بین سال‌های ۳۵۹ق و ۳۶۰ق ذکر کرده‌اند و همچنین سن وی را قریب شصت سال می‌دانند، ولادت او میان سال‌های ۲۹۰ق تا ۳۰۰ق بوده است. ابن عمید از سال ۳۲۸ تا سال ۳۶۰، یعنی ۳۲ سال تمام وزارت رکن‌الدوله را بر عهده داشت (مسکویه رازی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۴۱). ابن‌اثیر سن او را اندکی بیش از شصت سال و مدت وزارتش را ۲۴ سال می‌داند (ابن‌اثیر، ۱۳۵۱، ج ۱۵، ص ۶).

وی از خانواده‌ای با فرهنگ و دارای فضل و دانش بود. پدرش ابو عبد الله حسین بن محمد به عنوان کاتب و وزیر، به امرایی همچون زیاریان و سپس سامانیان خدمت کرد. از آغاز زندگی و جوانی او اطلاع دقیقی در دست نیست. بر اساس نوشته‌های تاریخی، برای تحصیل علم به ری و جبال و اصفهان و خراسان مسافرت کرد (همان). ابن‌ندیم در الفهرست، از جمله آموزگاران ابن عمید، محمد بن علی بن سعید را ذکر می‌کند (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶، ص ۴۷۹). همچنین می‌توان از ابو عبد الله احمد بن خالد برقی و علی احمد بن اسماعیل بن عبد الله قمی معروف به «ابن سمکه» نیز نام برد (امین عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۹).

وزارت ابوالفضل بن عمید در دوره آل بویه

وزارت در ساختار قدرت سیاسی آل بویه، دچار فرازونشیب‌های زیادی شد. در این زمینه، می‌توان از عوامل گوناگونی، از جمله قدرت و یا ضعف پادشاه، وزرا و نظامیان نام برد که به صورت مستقیم تأثیرگذار بودند.

ساختار قدرت سیاسی آل بویه ابتدا منجر به قدرت‌گیری نظامیان شد. در نتیجه، دیالمه به واسطه قرار دادن افرادی نالایق در دستگاه اداری خود، در مقابل نظامیان بسیار ناتوان و ضعیف عمل می‌کردند. رکن‌الدوله (حاکم ری و اصفهان) و عمادالدوله (حاکم فارس) نیز در برابر قدرت نظامیان، بی‌سبب اراضی را به صورت اقطاع و تیول به آنها می‌دادند تا بتوانند آنها را به عنوان هسته اولیه حکومت از خود راضی و خشنود نگه دارند. با تثبیت حکومت آل بویه، کاتبان، که عهده‌دار وظایف وزارت بودند، در برابر قدرت امیران و نظامیان قرار گرفتند. بدین سان، در سلسله‌مراتب قدرت سیاسی، وزارت پس از نهاد سپاه، که هسته اولیه حکومت آل بویه را تشکیل می‌داد، قرار گرفت. در ارتباط با نحوه حکومت آل بویه، باید خاطر نشان کرد که هر یک از سه برادر در سه نقطه از قلمرو بویهی حکومت می‌کردند، به گونه‌ای که رکن‌الدوله حکومت ری و اصفهان و عمادالدوله در فارس و کرمان و معزالدوله حکومت بغداد (عراق) را در دست داشتند و در نهایت، رهبری آل بویه در دست علی عمادالدوله قرار گرفت. پس از فوت عمادالدوله، رکن‌الدوله رهبری آل بویه عهده‌دار شد، اگرچه رکن‌الدوله در زمان حیات عمادالدوله، در حوزه حکمرانی خود، دارای استقلال نسبی بود. در سه شعبه حکمرانی، یعنی ری، شیراز و بغداد، وزرا مشغول فعالیت بودند. در بغداد، ابتدا صیمری و پس از مر وی در سال ۳۳۹ق، معزالدوله به مهلبی عنوان وزارت داد (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۵۶). همزمان در دو شعبه ری و شیراز، ابوالفضل بن عمید، سپس فرزندش ابوالفتح بن عمید به وزارت رسیدند. با مر رکن‌الدوله و فرمان‌روایی عضدالدوله، صاحب‌بن عباد وزارت را در اختیار گرفت (ابن خلدون، بی‌تا، ج ۳، ص ۶۷۳). مسکویه درباره موقعیت وزرا پیش از ابن عمید

می‌نویسد: «فرمانروای (رکن‌الدوله) از ترس کاستن یک درم از خزانه، همواره از آباد کردن جلوگیری می‌نمود و به آنچه به دست می‌آمد، بسنده می‌کرد... این نمونه و آن رفتار پادشاه نمودار وضع آن روز است که فرمانروا وزیران خود را به چنین روش عادت داده و از شایستگی و توانایی ایشان تنها به فراهم کردن هزینه روزانه بسنده می‌کرد» (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۲۱-۳۲۲).

ابن عمید با تکیه بر مسند وزارت، در اقدامات اولیه خود، اصلاحاتی را شروع کرد. وی معتقد بود تا وضعیت دربار و امرا اصلاح نشود، امور کشور سامانی نخواهد یافت. بنابراین، در اولین قدم، مخارج و هزینه‌ها را نظم و ترتیبی خاص داد و برای شاه و حرم او مخارج روزانه و برای سپاهیان و کارکنان حکومت هر کدام مقرری و وظیفه مخصوص تعیین کرد و سپاهی مجهز و آراسته فراهم آورد. همچنین مدیریت نادرست گذشتگان را اصلاح و سازمان‌های حکومتی را منظم و وضع خدمات عمومی را مرتب کرد و غالب اوقات روز را به تعلیم و تعلم در این باره می‌گذراند (همان؛ منطقی سجستانی، ۱۹۷۴، ص ۳۲۴-۳۲۵).

وی در ابتدا در سن ۲۸ سالگی در ری به وزارت رکن‌الدوله رسید و قریب هفت سال از وزارت خود را در اصفهان گذراند. همچنین مدتی نیز از جانب رکن‌الدوله (پس از مرگ عمادالدوله) برای آموزش عضدالدوله به فارس رفت (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۲۲؛ خازنی، ۱۳۴۶، ص ۱۳۲). او برای گسترش و توسعه قدرت نهاد وزارت، سعی کرد علاوه بر اینکه سازمان‌های گوناگون حکومت و حتی نهاد سپاه را منظم و تحت قاعده خاصی درآورد، در عین حال، با نهادینه کردن وزارت، آن را بسیار قدرتمند سازد. در این زمینه وی با پرورش شاگردانی خلاق و اندیشمند، سعی کرد فضایی باز برای اجرای طرح‌های منظور نظر خود ایجاد کند و هرچه را از علوم و

فنون گوناگون کشورداری در اختیار داشت، به کسانی که در حلقه شاگردی‌اش جمع بودند، آموزش داد. عضدالدوله بزرگترین امیر بویهی و صاحب‌بن‌عباد، نام‌دارترین وزیر آل‌بویه از جمله شاگردان وی بودند. از عضدالدوله بسیار شنیده می‌شد که می‌گفت: ابوالفضل بن عمید استاد ما بود و هیچ‌گاه در زندگانی نام او را بی‌لقب «استادالرئیس» و گاهی «استاد» نیاورد. حتی پس از مرگ ابن‌عمید، هیچ‌کس ندید که امیر نام او را بی‌لقب «استاد» آورده باشد (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۴۱). صاحب‌بن‌عباد نیز با وجود مقام بالای خود، ابوالفضل بن عمید را مدح می‌گفت و ستایشگر پرشور و مداح فصیح وی بود و همیشه جلوی وی برمی‌خاست (شوشتری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۴۵).

درواقع، ابن‌عمید با تحمل فشار بی‌سامانی آغازین دولت آل‌بویه، سعی داشت با تربیت شاگردان، زمینه مساعدی برای رشد و بالندگی حکومت آل‌بویه فراهم آورد. وی همچنین با نظارت شدیدی که از طریق مأموران خود اعمال می‌کرد، زمینه سوءاستفاده افراد سودجو را از بین برد و با ایجاد نظم و ترتیب در امور سیاسی، فرهنگی و نظامی، زمینه جلب نظر امیر بویهی را فراهم آورد.

به نظر می‌رسد از جمله عواملی را که می‌توان در جهت موفقیت ابن‌عمید ذکر کرد، طرز برخورد وی با افراد در مسائل مختلف و از سطوح گوناگون بوده است. همان‌گونه که گفته شد، ابوعلی مسکویه از جمله نزدیکان وی بود و درباره اخلاق و برخورد وی می‌نویسد: این وزیر دارای خلق و خوئی بود که دوست و دشمن را جذب می‌کرد و همه از دل و جان او را دوست می‌داشتند. او با مردم به رفق و مدارا رفتار می‌کرد... (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۱۴)، به گونه‌ای که مرگ ابن‌عمید بر همه افراد دیلمی و دیگران گران آمد و به‌ویژه اثری چشمگیر در بین لشکریان به جای گذارد و همه را اندوهگین کرد؛ زیرا او

بیشتر فعالیت و کار این وزیر پس از سال ۳۳۸ق، یعنی مر عمادالدوله بود؛ زیرا وی به عنوان سرسلسله بویهی محسوب می‌گردید. اگرچه رکن‌الدوله در ری حکومت می‌کرد، اما دارای استقلال نسبی بود و به همین سبب، ابن عمید نیز به تاسی از رکن‌الدوله، در دخالت بیشتر در امور و انجام کارها و اصلاحات مطمح نظر خود، با محدودیت‌هایی مواجه بود. به همین سبب، از این سال به بعد، رکن‌الدوله با استقلال بیشتر فرمان‌روایی کرد و بر قلمرو حکومتش نیز افزود. ابن عمید نیز به عنوان وزیر در انجام وظایفش، به نوبه خود، از قدرت و صلابت بیشتری برخوردار شد. در نتیجه، عمده کارهای جنگی و سیاسی ابن عمید را باید از این سال تا زمان مرگش بدانیم، اگرچه پیش از این نیز در دستگاه رکن‌الدوله، بانفوذ و دست‌اندرکار بود (همان).

کرومر عقیده داشت: آنچه به حاکمیت رکن‌الدوله دوام و قوام بخشید، شخصیت و زیرش ابن عمید بود که توانست با کنترل رکن‌الدوله، مانع بسیاری افراط‌کاری‌ها و زیاده‌روی‌های وی در امور شخصی شود (کرومر، ۱۳۷۵، ص ۱۹۴).
 ثعالبی در تحفة الوزراء، وی را از بزر ترین وزرای بویهی می‌داند و به معرفی این وزیر در حیطه‌های گوناگون می‌پردازد (ثعالبی، ۱۹۷۷، ص ۱۲۵-۱۲۶).
 ابوالفضل بن عمید با در نظر گرفتن وضعیت پیشین تمامی سرزمین‌هایی که تحت سیطره آل بویه بود و همچنین وضعیت حاضر آن، دستورهای گوناگونی صادر می‌کرد. وی علی‌رغم بی‌نظمی حاکم بر تشکیلات اولیه دیلمیان، سعی داشت تا حد امکان امور دیوانی و لشکری را سامان دهد. او به این نتیجه رسیده بود که وقتی این امور سامان نیابد و نظم و نظام نیابد کشور به پیشرفت همگام با همسایگان خود دست نمی‌یابد. هرچند شرایط سخت و دشوار، گاهی وی را به اعمال خشونت‌آمیز وامی‌داشت،

در همه کارها، صاحب رأی و تدبیر و دارای نفوذ بود (سجادی، ۱۳۶۶، ص ۴۵).

نقش ابن عمید در ساختار سازمان وزارت

در بررسی ساختار وزارت، باید جایگاه و موقعیت افرادی را که در این نهاد جای داشتند، به صراحت بیان کرد. در رأس آن، شخص وزیر قرار داشت و در رتبه‌های بعدی، دیوان‌های گوناگون قرار داشتند. در این دوره، قریب سی دیوان وجود داشت و ابن عمید به دنبال گسترش نفوذ نهاد وزارت و افزایش قدرت دیوانیان بود. همان‌گونه که ذکر شد، او به دیوان‌ها نظم و ترتیبی خاص داد و کارهای زیردست او چنان منظم گردید که گفته شد: تنها شایسته او بود (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۴۱).

ابن عمید همیشه بر رأی و نظر رکن‌الدوله تأثیرگذار بود. مسکویه در این باره می‌نویسد: «رکن‌الدوله خود چندان باتدبیر و سیاستمدار نبود و هنگامی که بدون نظر و رأی ابن عمید کاری انجام می‌داد، نتیجه‌ای نمی‌برد و تنها اندیشه و تدبیر وزیرش حکومت او را در مدت ۳۲ سال ثبات و دوام بخشید و رونق آن را روزافزون کرد. با مطالعه دقیق وقایعی که در این زمان رخ داده است، می‌توان به این نتیجه رسید که نهاد وزارت به پشتوانه شخصیت ابن عمید چنان وسیع و پر دامنه شد که در تمام دوران بویهی بی‌سابقه بود. ابن عمید در مقام وزارت و اطلاع از تدابیر کشورداری و ملامت و متانتی که لازمه این شغل بود و چاره‌جویی در برطرف کردن مشکلات گوناگون، قدرت و درایت بسیار به کار برد. فقیهی معتقد است که ابن عمید تکیه‌گاه سلطنت آل بویه در دوره رکن‌الدوله بود و نقش مهمی در حکومت آل بویه، به‌ویژه شعبه ری داشت (فقیهی، ۱۳۵۷، ص ۱۹۱).

با توجه به مطالب مزبور، می‌توان به جرئت گفت که

اطرافیان آنها اضافه می‌شد. این خراج بیشتر از مردمان طبقه سوم، یعنی کارگران و کشاورزان و پيله‌وران گرفته می‌شد. در عین حال، امیران بویهی با دادن اقطاع به افراد گوناگون، از آنها مالیات می‌گرفتند. *ابوالفضل بن عمید* در این زمینه تلاش کرد تا به این امور نظم دهد.

از مهم‌ترین مسائل اقتصادی، مسئله مالیات و خراج بود و چون میزان مالیات هر ناحیه و نحوه پرداخت آن توسط مردم، به قدرت حکومت‌ها بستگی داشت، بنابراین، با افزایش و یا کاهش قدرت حکومت، حاکمانی که به مناطق فرستاده می‌شدند، درصد زیادستانی و سوءاستفاده بودند. *ابن عمید* با افزایش قدرت خود، توانست بر تمام امور، از جمله امور اقتصادی تسلط یابد و زمینه سوءاستفاده‌های حاکمان، مؤدیان مالیاتی و همچنین امتناع مردم از دادن مالیات به حکومت را بگیرد و با قرار دادن میزان معینی برای این امر، نظم خاصی در اداره امور ایجاد کرد. وی در حیطه اقتصادی توانست دستاوردهایی از خود به یادگار گذارد، او در ساخت ترازوی آبی کار کرد و نظر داد. این جنبه از علم و یافته‌های وی در زمینه اقتصادی کاربرد فراوانی یافت و به‌ویژه در زمینه گرفتن میزان مالیات از مناطق گوناگون، کمتر با مشکل مواجه می‌شدند و کارگزاران نیز در گرفتن مالیات و یا نظارت بر این امر، کمتر خطا می‌کردند.

در این باره *عبدالرحمان خازنی* در کتاب *میزان الحکمه* می‌نویسد: «در روزگار سامانیان، محمد زکریا، رساله‌ای ساخت در مورد تعیین وزن اجسام و ترازو. رساله‌ای نوشت و آن را "میزان طبیعی" نام نهاد و در کتاب *اثنی عشر* که در صنعت کیمیا نوشته، آن را آورده است. در روزگار دیالمه، *ابن عمید*، که وزیر بود، و بعد از او *شیخ‌الرئیس بوعلی سینا* در آن نظر کردند و بگفتند که در هر مرکبی از هر یکی چند است. اما هیچ‌یک در مورد آن کتاب

ولی تا حد مقدور تلاش می‌کرد از راه مسالمت‌آمیز مسائل را حل کند. همچنین افکار و عقاید خود را در تمام امور سیاسی و نظامی و حتی علمی و فرهنگی به *عضدالدوله* منتقل کرد و به نوعی، حکومت آینده آل‌بویه را با عقیده خود پیش برد. *عضدالدوله* فنون کشورداری و برخی از دانش‌های متداول زمان را از این وزیر دانشمند آموخته بود (*مسکویه*، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۲۲؛ *خازنی*، ۱۳۴۶، ص ۱۳۲). در دوره *عضدالدوله*، ساختار قدرت سیاسی در جهتی که *ابن عمید* به آن داد، با سرعت زیاد توسعه یافت، البته با این تفاوت که *عضدالدوله* قدرت وزیر را در وجود خود رشد داد. در این زمان، امیر در رأس، قدرت زیادی پیدا کرده بود و دو وزیر را هم‌زمان با هم انتخاب می‌کرد و هر دو وزیر قدرتی همسان داشتند (همان، ص ۳۴۱).

ابوحیان توحیدی که در کتاب *مثالب الوزیرین* از دو وزیر، یعنی *ابن عمید* و *صاحب بن عباد* خرده‌گیری کرده است، درباره کارها و اصلاحاتی که *ابن عمید* انجام داد، می‌نویسد: وزیر چه مصالحه‌هایی داشت تا در مملکت عدل بگسترده و در دستگاه‌های حکومت نظم به وجود آورد و سپاه را اداره کند! به چه محتاج بود تا به رأس قدرت برسد و آنجا بماند (توحیدی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷۱-۴۷۵). توحیدی همچنین معتقد بود که *ابن عمید* بیشتر به دنبال دستیابی به قدرت بود و می‌پنداشت با افزایش حیطه قدرت خود، درصد از بین بردن قدرت اطرافیان خود است (همان، ص ۴۷۵).

نقش *ابن عمید* در امور اقتصادی و تأثیر آن بر نهاد وزارت

مهم‌ترین موضوعی که امیران قرن چهارم ق از وزیران خود می‌خواستند ترتیب و تنظیم خراج و مالیات قلمروشان بود که روز به روز به سبب مخارج دربار و

امیرانی قابل بودند، برای پیشبرد اهداف سیاسی و فرهنگی خود، به افراد عالم و دانشمند نیاز داشتند. ابوالفضل بن عمید، وزیر رکن الدوله، که از فضایی آن زمان محسوب می شد، توانست وزارت را از امیر بویه - رکن الدوله - دریافت کند. می توان به جرئت اظهار داشت که توانمندی وی در رشد و توسعه نهاد وزارت و نظم بخشیدن به سایر امور در دوران آغازین آل بویه را باید مدیون قدرت علمی وی دانست. این در حالی است که در دوره های بعد، با روی کار آمدن وزرای ناکارآمد، نهاد وزارت نیز رو به ضعف نهاد. بدین روی، می توان موقعیت علمی ابن عمید را ابزار و وسیله ای دانست که موفقیت های بعدی وی را در زمینه های سیاسی رقم می زد و به نوبه خود زمینه توسعه ساختار قدرت سیاسی را نیز به دنبال داشت.

ابن اثیر در تعریف از موقعیت علمی ابن عمید می گوید: ابوالفضل بن عمید از نیک مردان جهان بود. آنچه او از حسن تدبیر و سیاست ملک و چیرگی در نوشتن و همه گونه آرایش سخن بود، در خود جمع داشت و این در حالی است که در دیگران فراهم نیامد. دانشوری بود که در چندین رشته، از جمله ادب زبردست بود، و در ادب از دانشمندان به شمار می رفت (ابن اثیر، ۱۳۵۱، ج ۱۵، ص ۱۶؛ کلود کهن، ۱۳۷۵، ص ۲۵۹).

رکن الدوله با تکیه بر اریکه سلطنت، ابن عمید را به عنوان وزیر خود برگزید، در نتیجه، روز به روز محبت او در دل رکن الدوله محکم تر شد و او را اکرام و تعظیم بسیار می کرد. گفته شده است: کفایت فنی و مهارت وی در علم الحیل، باعث توجه بیشتر رکن الدوله به وی شده بود (نخجوانی، ۱۳۴۴، ص ۲۲۶).

بر اساس آنچه در کتب تاریخی آن دوره آمده است، سبب نزدیکی ابن عمید به رکن الدوله آن بود که امیر می خواست در ری عمارتی بسازد. محلی انتخاب کرد که

نساختند» (خازنی، ۱۳۴۶، ص ۱۹).

کاربرد این وسیله در امور اقتصادی و جلوگیری از آشفته گی این حیطة از وظایف خود، می توانست دست کم دل مشغولی وی را در این زمینه کاهش دهد.

وضعیت مالیات در زمان وزارت ابن عمید به این صورت بود که از سرزمین و جنس مالیات گرفته می شد؛ یعنی یک مالیات جنسی گرفته می شد و یک جریبانه که مالیات سرزمین بود. غالباً اخذ مالیات سالیانه و به صورت یکجا به عهده وزیران بود و تمام آن را، چه به صورت نقدی و چه جنسی از مردم می گرفتند (گوهرین، ۱۳۵۶، ص ۱۷۴-۱۷۶).

ابن حوقل می نویسد: «درآمد فارس از راه هایی که یاد کردم و به سال ۳۵۰ق از شخصی مطلع شنیدم که درآمد آنجا به بیش از یک میلیون و پانصد هزار دینار طلا بالغ می شد و این مبلغ غیر از مالیات ارجان بود و آن در دست ابوالفضل بن عمید می باشد و میزان آن به پانصد و ده هزار دینار می رسد که اغلب به ری حمل می شود و رکن الدوله آن را خرج می کند و گاهی از آن مبلغی به پادشاه اختصاص داده تا به دست ابوالفضل بن عمید به وی فرستد و این موضوع موجب دلتنگی پادشاه می شود (همان، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۷۱). اما حاصل درآمد آن در سال ۳۵۸ق، که من به آنجا رفتم، به دست حاکم آنجا ابوالفضل شیرازی بود و در این سال، ارتفاع آن سی میلیون درهم بود، بی آنکه زیادی سنگ ترازو و حق بیت المال منظور گردد.

موقعیت علمی ابن عمید و تأثیر آن بر وزارت

آل بویه به سبب رقابت با دربار سامانیان، که وزرای قدرتمند و دانشمند همچون جیهانی و بلعمی داشتند، سعی در استخدام وزرا و دیوانیانی کارآمد و عالم در دستگاه خود کردند. از آنجا که بویهیان تنها از نظر نظامی

دوباره آنها را به جلو می‌کشاند و خود به حالت اول برمی‌گشت؛ اما اگر یک طرف طناب را به درخت ببندیم و سپس میخی را محکم در زمین بکوبیم و طناب را یک نیم دور به دور آن بیچانیم از بازگشت دوباره درخت به حالت اول خود در هر دوره اعمال نیرو توسط افراد جلوگیری می‌شود. اگر افراد طناب متصل به درخت را مستقیماً و درست در جهت کشش طناب و قرار گرفتن آنها می‌کشیدند درخت سقوط می‌کرد، که در این صورت، امکان ایجاد حادثه و زیر درخت ماندن آنها زیاد می‌شد. اما با وجود میخ‌ها و بیچیدن طناب به دور آن، به گونه‌ای که یک زاویه ۹۰ درجه در کنار میخ با طناب ایجاد شود آنها کاملاً در جهتی دور از افتادن تنه درخت قرار می‌گرفتند. رکن‌الدوله که با همراهان خود ایستاده بود و مشاهده می‌کرد، متعجب شد و آن را کاری بسیار بزرگ شمرد و به چشم عظمت به ابن‌عمید نگریست. در نتیجه، ابن‌عمید نزد رکن‌الدوله مقام و منزلتی عظیم یافت و به عنوان وزیر، روز به روز مقام و موقعیت بالایی پیدا کرد (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۲۶).

می‌توان به جرئت گفت: ابن‌عمید، کاتب ایرانی، تصویر گویا و روشن این فرهنگ وسیع و استعداد فنی در عربی است. ابن‌عمید فیلسوف، زبان‌شناس عالم دینی، شاعر و نویسنده صاحب سبک و عتیقه‌شناس و عالم به اسناد تاریخی بود. در زمینه رساله‌نویسی، نام وی در کنار نام ابن‌حمید، سلف ایرانی وی قرار دارد (باسورث و دیگران، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۰۳). به نظر می‌رسد رساله‌ای که به وی نسبت داده‌اند و با عنوان *رسائل ابن‌عمید* به شماره ۱۲۲۸۲/۸۵۸۳۵ در «کتابخانه مجلس شورای اسلامی» به ثبت رسیده، از مجموع نامه‌هایی که وی به اطراف می‌نوشته جمع‌آوری شده است و عنوان *رسائل الادب* دارد. ابن‌نديم فقط از یک کتاب، که نوشته

در آنجا درختی کهن با شاخ و بر بسیار و ریشه‌هایی بود که در زمین محکم شده بود. می‌خواستند آن درخت را قطع کنند تا بتوانند عمارت را بنا کنند. برای این کار، مبلغی مشخص کردند، ولی امیدی به ریشه‌کن کردن آن نبود. ابن‌عمید گفت: من آن را برای امیر با کمترین کار در کوتاه‌ترین مدت و ساده‌ترین وسیله از ریشه درمی‌آورم. اما برای رکن‌الدوله بعید به نظر می‌رسید که این درخت با این استواری را بتوان قطع کرد. با شوخی گفت: این ادعا را باید از قوه به فعل درآوردی تا ببینم چگونه این کار را انجام می‌دهی. ابن‌عمید دستور داد تا طناب‌ها و میخ‌های بسیاری آوردند و از طریق جراثقال (که بزرگ‌ترین و شریف‌ترین قسمی از اقسام علوم ریاضی است و آن دانستن تفاوت وزن چیزها و یا اشیایی است که مقدارهایشان متفاوت است و نیز تفاوت درونی میان آنها، و وجه دوم دانستن وزن اشکال گوناگون و تفاوت آنها از لحاظ غلط و دقت و روانی و در واقع، بنای میزان حکمت بر مبنای آن است که توضیح با نثر جدید باشد تا قابل فهم گردد) (خازنی، ۱۳۴۶، ص ۱۴). طناب‌ها را به درخت محکم بستند و میخ‌ها را کوفتند و به چند نفر دستور داد تا طناب‌ها را به درخت محکم بستند و میخ‌ها را کوفتند، و به چند نفر دیگر دستور داد تا طناب‌ها را به صورتی که خود تشخیص می‌داد، می‌کشیدند و نگذاشت که کسی نزدیک آن بایستد. رکن‌الدوله با اطرافیان خود نظاره می‌کردند. ناگهان زمین به حرکت درآمد و از هم شکافته شد و درخت با آن عظمت با ریشه‌هایش قطع گردید و بر زمین افتاد.

درباره فلسفه وجود میخ، می‌توان گفت: این احتمال وجود دارد که وجود میخ‌ها به دو سبب بوده است: اگر افراد طناب متصل به درخت را مستقیم می‌کشیدند، در هر حرکت، درخت طبق قانون سوم نیوتن نیرویی برابر همان نیروی اعمال شده و در جهت عکس به آن وارد می‌کرد و

مردم نسبت به آن بود (توحیدی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷۲).
 اما مورخان دیگر، از جمله ذهبی معتقد بود: ابن عمید
 در نظم و نثر و استاد بزرگ ترسل و انشا و بلاغت و دیگر
 علوم بود (ذهبی، ۲۰۰۴، ج ۱۰، ص ۴۷). وی همچنین
 سبک جدیدی در نثر عربی پدید آورد و به حتم و یقین،
 در زمان خود به طور مطلق «استاد» یا «الاستاد رئیس»
 خوانده می شد (کهن، ۱۳۷۵، ص ۳۴۱). درباره وی گفته
 شده است: «بدأت الكتابة بعبد الحمید و ختمت بآبن
 العمید»؛ نگارش با عبد الحمید آغاز و به ابن عمید ختم
 شد. همچنین او را «جاحظ ثانی» نیز لقب داده اند (همان،
 ص ۴۱۰؛ ابن عماد، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۶-۱۳۷).

در علوم گوناگون، به ویژه الهیات، کسی در زمان وی
 جرئت خودنمایی و اظهار علم نزد او نداشت، مگر آنکه
 برای آموزش باشد، نه گفت و گو و دادوستد علمی. همه به
 شاگردی او مباحث می کردند. بی شک، وی در تأویل قرآن
 و دانستن مشکلات و شناخت مشابهات آن، و آگاهی از
 اختلاف عقاید فقها، عالی ترین درجه و والاترین پایه را
 داشت. او در تفسیر قرآن، حفظ غوامض و منطق آن، و علم
 به قرائت های مختلف قرآن در بالاترین مرتبه بود
 (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۱۶-۳۱۷).

ابن عمید در علوم دقیقه، که کسی ادعای آگاهی از آن
 نداشت، کارشناس بود؛ مانند مکانیک یا علم الحیل که
 دانستن آن نیاز به هندسه عالی و طبیعیات دارد و
 حرکت های غیرطبیعی و سنگین کشی و شناخت مرکز
 سنگینی اجسام (علم الحركات) و جراثقال و شناخت
 مراکز جراثقال و بیرون کشیدن آنچه قدما از آن جلوگیری
 می کردند و از قوه به فعل درآوردن آنها ممکن نبود
 (همان، ص ۳۱۸-۳۱۹). ابن عمید در زمینه علم نجوم نیز
 کار کرد. وی در ری رصدخانه ای ساخت و به دستور
 رکن الدوله، ابوالفضل هروی منجم را به واسطه مهارتش

ابن عمید است، به نام المذهب فی البلاغه نام برده است که
 از آن هیچ نمی دانیم (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ص ۷۴۰). آنچه
 بیشتر شگفتی آور است این است که تقریباً هیچ چیز از او
 مستقیماً بر جای نمانده است و هرچه از او می دانیم از
 روی نوشته های ابوحیان توحیدی و ثعالبی و یاقوت و
 مسکویه است. با در نظر گرفتن این نکته که تمام
 نوشته های ابن عمید که به خاطر موقعیتش به عنوان یک
 وزیر، به تمام ولایات نوشته می شد، و به سبب سیطره ای
 که زبان عربی در این قرن بر فرهنگ و زبان ما گذاشته بود
 و تبحر ابن عمید در زمینه ادب عربی، سیطره وی بر قدرت
 سیاسی گسترش یافت.

ابن عمید همچنین به خاطر داشتن اشعاری به زبان
 عربی نیز شهرت داشت؛ زیرا محفوظات او در اشعار
 عرب آن اندازه بود که هیچ کس مانند او آن قدر اشعار از
 حفظ نداشت (ابن اثیر، ۱۳۵۱، ج ۱۵، ص ۱۶). همچنین
 مسکویه، ابن عمید را دانش پژوه فلسفه با حافظه ای
 شگفت انگیز در شعر، و مهندسی نابغه (اختراعاتی که در
 این زمینه داشت) و هنرمندی زبردست و سردار سپاه و
 مدیر وصف می کند (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۳۲).

وی در نویسندگی و ویژگی هایی که باید در یک کاتب
 یا دبیر جمع باشد، در عصر خود نظیری نداشت (همان،
 ص ۳۳۴؛ منطقی سجستانی، ۱۹۷۴، ص ۳۲۱). به ادعای
 توحیدی، ابن عمید به ادیبان حسد می ورزید و مشتاق
 جدل بود و مردم با توجه به این صفات، از دست وی
 مصیبت ها کشیدند. توحیدی همچنین در مثال
 الوزیرین، تمام علومی را که به ابن عمید نسبت می دهند،
 منکر می شود و می نویسد: ابن عمید ادعای علم می کرد،
 در حالی که بدان جاهل بود، و در منطق و هندسه مدعی بود،
 در حالی که هیچ چیز از آنها نمی دانست، و در کتابت نیز
 خود را صاحب فن می دانست، در حالی که از جاهل ترین

در طب و مهندسی به کار گماشت و ابوجعفر خازن - چون رکن‌الدوله او را محترم می‌داشت - در آن به رصد می‌پرداخت (همان، ص ۳۴۴-۳۴۶).

ابن‌عمید تمام یافته‌های خود و دیگران را در کتابخانه‌ای در ری جمع‌آوری کرد که در زمره بزرگترین کتابخانه‌های آن زمان بود. بنا به نوشته مسکویه، خزانه‌دار و کتابدار این کتابخانه، در آن در خصوص هر علم و هر نوعی از انواع حکمت و ادب کتاب وجود داشت و ابن‌عمید علاقه وافری بدان داشت (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۷۶-۲۷۷؛ نعمه، ۱۳۴۷، ص ۱۳۰-۱۳۱). این کتابخانه عظیم پس از صاحب‌بن‌عباد، شاگرد وی، باقی ماند؛ چنان‌که وقتی محمود غزنوی ری را تصاحب کرد، از آن خزانه تمام کتاب‌های مربوط به علم کلام را بیرون کشید و آتش زد. او از کتابخانه بزرگ شهر ری، تمام کتاب‌های فلاسفه و مؤلفان معتزله و کتب نجوم را سوزاند و از بازمانده کتب صد بار کتاب از ری به غزنین برد (صفا، ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۲۶۱-۲۶۲).

همان‌گونه که ذکر شد، ابن‌عمید در مقابل علما و دانشمندان، کاملاً متواضعانه عمل می‌کرد و به پیروی از برمکیان، آغوش خود را به روی دانشمندان و ادیبان و شاعران باز کرد. وی جمعی از فرهیختگان عالی‌قدر را پیرامون خود جمع کرد، تا آنجا که بخش اعظم روز با آنها بود. دربار او از دانشوران و شاعران لبریز بود و مدایحی برای او تصنیف می‌کردند که معمولاً با صله‌های گزافی عوض داده می‌شد (کرومر، ۱۳۷۵، ص ۳۳۴-۳۳۵). با بررسی شیوه‌های برخورد ابن‌عمید، می‌توان به این نکته پی برد که وی در حیطه علم، مؤدب و خوش خلق بود و به موقع، اشراف خود را نسبت به موضوع آشکار می‌کرد، و همچنین متکبران را خوار می‌ساخت، اما بعد دل آنان را به دست می‌آورد و با گشاده‌دستی به آنها پاداش می‌داد

(همان، ص ۳۳۹). در سایه نفوذ و توجه او، رکن‌الدوله مسئولیت‌هایی به علما و شعرا می‌سپرد که فراتر از شرایط آنها بود (باسورث و دیگران، ۱۳۷۲، ص ۲۴۶). از آن جمله، می‌توان از صاحب‌بن‌عباد نام برد که با توجه به شهرتی که کسب کرد، توانست در دستگاه بویهی نفوذ کند و نزدیک سال ۳۴۷ق، ابن‌عمید به اشاره رکن‌الدوله، وی به کتابت مؤیدالدوله انتخاب کرد (بهمنیا، ۱۳۸۳، ص ۳۷-۳۹).

عملکرد ابن‌عمید در امور نظامی و تأثیر آن بر وزارت

ابوالفضل بن عمید، که در امور گوناگون صاحب‌نظر بود، توانست علاوه بر مقام علمی و سیاسی، در فن سپاهی‌گری هم مهارت لازم را کسب کند؛ چنان‌که در بسیاری از جنگ‌ها، پیشاپیش سپاه شمشیر می‌زد (همان، ص ۳۱۹). ابن‌عمید با داشتن چنین عادت و روشی، سپاه و مردم و فرمانروای ایشان را به گونه‌ای راه برد که بنا به گفته مسکویه، اگر معجزه می‌خواندند، شایسته بود؛ زیرا رکن‌الدوله پیش از ابن‌عمید، افرادی بی‌ارج و نالایق را به وزیری گمارده بود؛ دستگاهی آشفته و سپاهی نافرمان در اختیار ایشان نهاده بود و سپاهیان بر کشور دلخواه خود فرمان‌روایی می‌کردند (همان، ص ۳۱۹-۳۲۱). چون وی به وزیری رکن‌الدوله رسید، شکوه و عظمت خود را در دل سپاه و مردم جا داد، تا آنجا که یک نگاه خشمگینانه او، طرف مقابل را به لرزه می‌انداخت و بندهای او را سست می‌کرد. ابن‌عمید از استعداد خود در راه پیشبرد اهداف نظامی حکومت نیز استفاده کرد. وی نه تنها توانسته بود با ایجاد تحولاتی در نهاد وزارت، آن را در ساختار قدرت سیاسی به بالاترین حد خود برساند، بلکه نهاد نظامی را در این دوره چنان نظم بخشید که جدا کردن این دو به عنوان نهادهای مستقل، مشکل به نظر می‌رسید. نظم و

نتیجه‌گیری

در یک نگاه کلی، می‌توان دستاوردهای ذیل را برای پژوهش مدنظر قرار داد:

الف. با اقدامات مهم و باارزشی که ابن‌عمید در دوره وزارت خود انجام داد، موجب شد که رکن‌الدوله بتواند با استواری و قدرت تمام حکومت نوپای خود را تثبیت و استوار سازد.

ب. نوع تفکر سیاسی ابن‌عمید تأثیر بسزایی در تقویت پایه و اساس حکومت آل‌بویه داشت. در واقع، اساس حکومت‌ها را می‌توان افرادی لایق و کاردان دانست که در صورت وجود چنین گزینه‌ای، می‌توان آینده‌ای روشن برای آن حکومت در نظر گرفت.

ج. ایجاد نیروی نظامی قوی و کارآمدی که با درایت و تیزهوشی ابن‌عمید ایجاد شد، نقش بسیاری در پیروزی‌های آل‌بویه داشت و این امر سبب دوام و ماندگاری حکومت گردید.

د. گسترش علم و دانش و حمایت از دانشمندان نقش مهمی در شکوفایی علم و دانش در آن دوره داشت و توانست با تقویت رویکرد فرهنگی در ساختار قدرت سیاسی آل‌بویه، این ویژگی را در این دوره نسبت به دیگر دوره‌ها ممتاز کند و با تربیت شاگردانی توانمند، ساختار قدرت سیاسی را به وسیله افرادی که در سطح بالای علمی قرار داشتند، تقویت و نهادینه کرد.

انضباط و همچنین تربیت و آموزش سپاهیان از مهم‌ترین اهداف ابن‌عمید بود. ابن‌اثیر در این زمینه، به خوبی تمامی ویژگی‌های بارز وی را در کنار هم قرار می‌دهد و می‌نویسد: همچنان فضایل دیگر، با نیک‌خویی و نرمش و حسن سلوک با یاران و همشینیان خویش و داشتن شجاعت و دانا به امور جنگ و سخنوری مشهور است (ابن‌اثیر، ۱۳۵۱، ج ۱۵، ص ۱۶)، به گونه‌ای که توانسته بود با نشان دادن یک شخصیت مقتدر نظامی، به آن جامه عمل بپوشاند.

ابن‌عمید از موقعیت علمی خود در ساخت و سایل و ابزار جنگی نیز استفاده کرد و توانست موقعیت و قدرت خود را در حیطه نظامی افزایش دهد. بدین‌رو، با در دست داشتن وزارت و امور نظامی به صورت هماهنگ، توانست ساختار قدرت سیاسی را به نفع خود تغییر دهد. وی ابزارآلات عجیبی برای قلعه‌گشایی و گشودن دژها اختراع کرد و نیز سلاح شگفت‌انگیزی ساخت که به مسافت بسیار دور تیر می‌انداخت و تأثیر بسیاری در وضع جنگ داشت و نیز آینه‌های مقعر (آینه‌های آتش‌زا) که از راه دور آتش می‌افروخت. وی به عنوان طراح آلات حصارگری، آوازه‌ای بلند داشت و به واسطه این استعداد، در چندین جنگ شرکت کرد و پیروز شد (همان، ص ۳۳۸؛ عروضی سمرقندی، ۱۳۶۸، ص ۲۳۲). در نتیجه، در تمام جنگ‌هایی که در آن شرکت داشت، به عنوان فرمانده سپاهیان حضور داشت و علاوه بر این، در تمام متون تاریخی از شجاعت و دلیری سخن به میان آمده است (کرومر، ۱۳۷۵، ص ۱۹). ابن‌عمید در میدان نبرد، شیری دلیر بود که نه به آتش جنگ می‌سوخت و نه گرد آن بر او می‌نشست؛ نه شمشیری بر وی کارگر بود و نه پهلوانی دل آمدن به سوی او داشت. رأیی استوار و هوشی تند و فرصت‌شناس داشت. بر سپهداری و لشکرکشی بینا و از ترفندهای جنگی آگاه بود (مسکویه، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۳۱۹).

منابع

- ابن اثیر، علی بن حسین، ۱۳۵۱، **الکامل فی التاریخ**، تحقیق علی هاشمی حائری، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- ابن حوقل، ۱۳۴۵، **صورة الارض**، بی جا، بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، بی تا، **العبر**، ترجمه عبدالمحمد آیتی، بی جا، مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
- ابن عماد، حنبلی، بی تا، **شذرات الذهب فی اخبار من ذهب**، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب.
- ابن ندیم، ۱۳۶۶، **الفهرست**، تحقیق محمدرضا تجدد، تهران، امیرکبیر.
- امین عاملی، سیدمحسن، ۱۴۰۳ق، **اعیان الشیعه**، تحقیق حسن الامین، بیروت، دارالتعرف للمطبوعات.
- باسورث و دیگران، ۱۳۷۲، **تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن سلجوقیان**، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر.
- بهمنیار، احمد، ۱۳۸۳، **صاحب بن عباد**، به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، دانشگاه تهران.
- توحیدی ابوحیان، ۱۴۱۱ق، **اخلاق الوزیرین**، تحقیق محمدعلی الصباح، بیروت، دارالکتب.
- ثعالبی، ابی منصور محمدبن اسماعیل، ۱۹۷۷، **تحفة الوزراء**، تحقیق حبیب علی الراوی و ابستام مرهون الصفار، بغداد، مطبعة العانی.
- خازنی، ابوالفتح عبدالرحمن، ۱۳۴۶، **میزان الحکمه**، مقدمه مدرس رضوی، بی جا، بنیاد فرهنگ ایران.
- ذهبی، شمس الدین، ۲۰۰۴، **تاریخ اسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام**، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی.
- سجادی، سیدضیاءالدین، ۱۳۶۶، **شرح احوال و آثار ابن عمید**، تهران، پازنگ.
- شوشتری، سیدنورالله، ۱۳۷۶، **مجالس المؤمنین**، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- صفا، ذبیح الله، ۱۳۴۲، **تاریخ ادبیات ایران**، ج چهارم، تهران، کتابفروشی ابن سینا.
- فقیهی، علی اصغر، ۱۳۵۷، **آل بویه و اوضاع ایشان با نموداری از زندگی مردم در آن عصر**، گیلان، صبا.
- کرمر، جوئل. ل، ۱۳۷۵، **احیای فرهنگی در عهد آل بویه**، ترجمه
- محمدسعید ضیایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- کهن، کلود، ۱۳۵۶، «آل بویه»، در: **دانشنامه ایران و اسلام**، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران، بنگاه ترجمه و نشر.
- ، ۱۳۷۵، «ابن عمید»، در: **دایرةالمعارف تشیع**، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی و دیگران، تهران، شهید سعید محبی.
- گوهرین، صادق، ۱۳۵۶، **حجة الحق ابوعلی سینا**، تهران، توس.
- مسکویه رازی، ابوعلی، ۱۳۷۷، **تجارب الامم**، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، دارالشروق، ج ۵.
- ، ۱۳۷۶، **تجارب الامم**، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، توس، ج ۶.
- منطقی سجستانی، ابوسلیمان، ۱۹۷۴، **صوان الحکمه**، تحقیق عبدالرحمن بدوی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- نخجوانی، هندوشاه، ۱۳۴۴، **تجارب السلف**، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال، ج دوم، تهران، کتابخانه طهوری.
- نظامی عروضی سمرقندی، ۱۳۶۸، **برگزیده چهار مقاله**، به کوشش رضا ایزدی، تهران، اشراق.
- نعمه، عبدالله، ۱۳۴۷، **فلاسفه شیعه**، تحقیق سیدجعفر غضبان، مقدمه محمدجواد مغنیه، تبریز، کتابفروشی ایران.
- نوبختی سمرقندی دولتشاه، ۱۳۱۸، **تذکرة الشعراء**، به اهتمام میرزا محمد ملک الکتاب شیرازی، بمبئی، بی نا.